مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و دوم، شمارۀ پیاپی ۸۵/۱،
پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۸٤-٦٧

هرمنوتیک و اصول فقه: نگاهی به انواع قصدی گرایی در غرب و مقایسۀ آن با دیدگاه تفسیری اصولیان شیعه*

علیرضا عابدی سرآسیا[۱]
دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد
Email: Al_abedi_sa57@yahoo.com
دکتر محمدصادق علمی سولا
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: sola-m@ferdowsi.um.ac.ir
دکتر محمدکاظم علمی سولا
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: elmi@ferdowsi.um.ac.ir

چکیده

نظریۀ معروف در زمینۀ معنا و تفسیر متن، «قصدی‌گرایی» نامیده می شود که می گوید: «معنا یا تفسیر یک اثر، با نیت صاحب اثر، مرتبط بوده یا توسط آن تحدید و تعیین می‌گردد». در این جستار، ابتدا مهم ترین اقسام قصد و نیت، بررسی شده‌اند، از جمله: ۱) قصد روان‌شناختی و قصد پدیدارشناختی؛ ۲) قصد معنایی، قصد مقوله‌ای، و قصد انگیزشی؛ ۳) قصد واقعی و قصد فرضی؛ ۴) قصد درونی و قصد بیرونی. سپس، انواع مختلف قصدی‌گرایی، از یکدیگر متمایز گشته و توضیح داده شده اند. قصدی‌گرایی می تواند تقسیم شود به: (۱) قصدی‌گرایی معنایی و قصدی‌گرایی تفسیری؛ (۲) قصدی‌گرایی واقعی و قصدی‌گرایی فرضی(قصدی‌گرایی واقعی، شامل هر یک از (الف) افراطی یا (ب) معتدل، و قصدی‌گرایی فرضی، شامل هر یک از (الف) اصلی یا (ب) عصری)؛ (۳) قصدی‌گرایی انحصاری و قصدی‌گرایی شمولی. در پرتو این تمایزها، نقاط اشتراک و اختلاف دو دیدگاه قصدی‌گرایی غربی و قصدی‌گرایی شیعی، روشن گردیده است.

کلید واژه‌ها: هرمنوتیک، قصدی‌گرایی واقعی و فرضی، قصدی‌گرایی معتدل و افراطی، قصدی‌گرایی انحصاری و شمولی قصدی‌گرایی اصلی و عصری.

---

* . تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۰۹/۲۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۹/۰۳/۲۴.
[۱] . نویسندۀ مسؤل

۱) مقدمه: تعریف قصدی گرایی و مؤلف محوری

در زمینهٔ معنا و تفسیر متن، دو نظریهٔ مهم و اصلی وجود دارد که عبارتند از: قصدی گرایی و قصدی ستیزی. در همین راستا نیز می توان نظریه های هرمنوتیک را به دو دستهٔ «هرمنوتیک قصدی گرا» و «هرمنوتیک قصدی ستیز» تقسیم کرد. در ابتدا توضیح مختصری دربارهٔ این دو نظریه ارائه می کنیم.

نظریه مشهور و پرسابقه در زمینهٔ معنای متن، این است که مؤلف، منبع و منشأ معنای اثر بوده و حدود آن را تعیین می کند؛(یا دست کم، مؤلف یکی از عوامل تشکیل دهندهٔ معنای متن است).

این نظریه، در قلمرو تفسیر نیز وارد شده که بر اساس آن، هدف مطلوب و دست یافتنی از فهم و تفسیر متون، رسیدن به نیت و مقصود مؤلفان آن هاست. این نظریه معمولاً با عنوان: «قصدی گرایی»[۱] و احیاناً: «ایدئولوژی مؤلف»[۲](آلن[۳]، ص۷۲)و در اصطلاح معناشناسی، نظریهٔ «قطعیت به نیت مؤلف» (فضیلت، ص۱۶۵) نامیده می شود. از این نظریه در فارسی معمولاً با عنوان «مؤلف محوری» یاد می گردد.

در تعریف قصدی گرایی آمده است: «عقیده یا فرض این که معنای متن، اساسا با قصد مُصرَّح(تصریح شده) یا ضمنی مؤلف، تعیین گشته است»[۴]. در مقالهٔ «تفسیر و قصد» می خوانیم: «قصدی گرایی عبارت است از این نظریه که نیات واقعی هنرمندان، با تفسیر اثری که می آفرینند مرتبط است»(نوئل[۵]، ص۷۵). در کتاب هرمنوتیک طبیعی، این نظریه از قول **دانبرگ** و **مولر**[۶]، «تز هویت» نامیده شده و این گونه تعریف گشته است: «تز هویت[به این معناست که] معنای متن، مطابق با قصد مؤلف شکل می گیرد» (مانزاوینس[۷]، ص۱۴۷). بنا به اظهار برخی، این عنوان، برچسبی است که بردزلی به نظریهٔ هرش زده است(میکنن[۸]، فصل ۲؛ ونیز ببینید: لامارک[۹]، ص۱۷۹).

در حقیقت تمامی این تعریف ها، تفسیری مضیّق از قصدی گرایی اند و شامل اقسام مختلف آن نمی‌شوند. شاید بتوان با توجه به اقسام مختلف قصدی گرایی، تعریف ذیل را جامع تر از سایر تعاریف دانست:

«قصدی گرایی عبارت است از این نظریه که معنا یا تفسیر یک اثر با نیات صاحب اثر، مرتبط بوده یا

1.Intentionalism.

2. The ideology of the author.

3. Allen, Graham.

4. (See. www.thefreedictionary .com/intentionalism, & www.bartleby .com/61/5 /I0180575.)

5. Noël, Carroll.

6. Danneberg, Lutz, and Hans-Harald M¨uller.

7. Mantzavinos, Chrysostomos.

8 . Mikkonen, Jukka.

9 . Lamarque, Peter.

توسط آن تحدید و تعیین می گردد».[۱]

در مقایسه دو اصطلاح «قصدی گرایی» و «مؤلف محوری» باید گفت اگر چه ظاهراً این دو اصطلاح، معادل یکدیگر به نظر می آیند؛ اما با کمی دقت، می توان گفت: مؤلف محوری اعم از قصدی گرایی است و شامل دو نظریهٔ قصدی گرایی و ذهنی گرایی می شود(توضیح بیشتر این مطلب، ذیل بحث از قصد روانشناختی خواهد آمد).

قصدی گرایی، نظریه قریب به اتفاق متفکران قبل از قرن بیستم میلادی محسوب می شود. قصدی گرایی در غرب، اگر چه در میان طرفداران هرمنوتیک مدرن نیز پیروانی دارد(ببینید: احمدی، ص۴۹۷)، اما آموزهٔ اصلی هرمنوتیک کلاسیک دانسته می شود.

کسانی که کشف نیت مؤلف را در تفسیر، غیر ممکن یا نامطلوب می شمارند؛ و یا اساسا برای مؤلف هیچ گونه منشئیت و عاملیتی در معنای اثر قایل نیستند و به تعبیری، معنای اثر را یکسره، بیگانه از مؤلف و قصد او می شمارند، در مقابل گروه قصدی گرا، قرار می گیرند. این نظریه در تقابل با قصدی گرایی، «**قصدی ستیزی**»[۲] (اسپورهیز[۳]، ص۸۱؛ میکنن، فصل۱؛ استکر[۴]، ص۲۰۸)، و در شکل حاد آن، «**نظریهٔ مرگ مؤلف**»[۵] (از رولان بارت) نامیده می شود.

در دوران معاصر، با وجود شدت یافتن موج قصدی ستیزی در برابر «قصدی گرایی»، هنوز این نظریه طرفداران بسیار دارد(ببینید: هوی، صص۷۴-۷۳؛ احمدی، ۵۹۰). «تفسیر قصدی گرا، در حالی که دهه ها به عنوان یک مغالطه لحاظ می شد، در میان فیلسوفان هنر، شروع به جذب پیروانی نموده است»(نوئل، ص۷۵). وانهوزر[۶] به عنوان یکی از معاصران و صاحبان تألیف در این زمینه می نویسد: «قصد هنوز هم اصل، هدف، و راهنمای تفسیر متنی است»(ولترستورف[۷]، ص۴۸).

برای مقایسه میان دو دیدگاه قصدی گرایی در غرب و قصدی گرایی اصولیان شیعه، ضروری است تا ابتدا، به اقسام قصد و نیت اشاره کنیم.

---

۱ .عبارت «معنا یا تفسیر»، برای اشاره به قصدی گرایی معنایی و تفسیری است؛ واژه ی «نیات»، تمامی اقسام قصد را که ذکر خواهد شد در بر می گیرد؛ عبارت «مرتبط بوده» راجع به قصدی گرایی شمولی، و عبارت «تحدید و تعیین می گردد» مطابق با قصدی گرایی انحصاری است. هر چند در قصدی گرایی انحصاری نیز معنا یا تفسیر متن به نوعی «مرتبط» با قصد است؛ اما عبارت «تحدید و تعیین می گردد» برای تأکید و اشاره به دو نوع رویکرد متفاوت آمده است.

2. Anti-intentionalism.

3. Spoerhase, Carlos.

4. Stecker, Robert.

5. The Death of the Author.

6. Kevin J. Vanhoozer.

7. Wolterstorff, Nicholas

۲) مفهوم و اقسام قصد و نیت

واژهٔ «قصد» و «نیت» در فارسی، معادل «مقصود»، «مراد» و «مرام» در عربی، و «intention» و «intent» در انگلیسی است که تقریباً معناهای مشابه و روشنی دارند؛ اما این که در عبارت «قصد مؤلف» منظور از این واژه چیست، ابهام‌ها و اختلاف هایی وجود دارد که خود منجر به پیدایش اقسامی برای آن شده است. مهم‌ترین این اقسام را (که قابل تداخل با یکدیگرند) در ذیل توضیح می دهیم.

۲-۱. قصد روان شناختی و قصد پدیدار شناختی

قصد روان شناختی، مربوط به کنش روانی مؤلف در خصوص آفرینش متن است و در حقیقت، مجموعه ای از تصورات آگاهانه و ناآگاهانهٔ مؤلف، نسبت به موضوع یا واژه ای خاص است. اما قصد پدیدارشناختی، به معنای جهت‌گیری ذهن به سوی چیزی است؛ همان معنایی از اثر است که با توجه آگاهانهٔ مؤلف -در میان معانی متعدد و محتمل اثر- تعیّن یافته است؛ معنایی از اثر که مؤلف، معمولاً در صدد انتقال و تفهیم آن به مخاطبان بوده و به بیانی ساده، آن را معنای درست اثر خود می داند.

از آن جا که قصد پدیدارشناختی(بر عکس قصد روان شناختی که ممکن است غیرآگاهانه باشد)، امری کاملاً آگاهانه است؛ و مؤلف نیز معمولاً درصدد انتقال و بیان چنین قصدی است، به طور نسبی در متن تحقق یافته و آثار روشنی از خود به جای می گذارد؛ نیت مؤلف، به نوعی، «در اثر رخنه کرده و در آن به نمایش در می آید».»(میکنن، فصل سوم) این آثار و نشانه های به جای مانده از قصد که گاهی «اظهار یا اظهار قصد» نامیده می شوند(میکنن، فصل ۳؛ استکر[1]، ص۳۲)، کاملاً جنبهٔ زبان شناختی دارد و برگرفته از مشترکات قراردادی زبان اند. شاید به همین مناسبت؛ و یا به این جهت که مؤلف معمولاً در صدد است تا این قصد را با نشانه های زبانی بیان نماید بتوان، آن را «**قصد زبان شناختی**» نیز نامید(برای نمونه ببینید نظریهٔ هرش در مورد قصد را در: هوی، ص۱۰۱؛ احمدی، صص۵۹۴ و ۵۹۲-۵۹۱) .

در یک مفهوم دقیق، قصد روان شناختی را اساساً نمی توان قصد نامید؛ چرا که قصد، جهت گیری آگاهانهٔ ذهن به سوی چیزی است؛ در حالی که این مفهوم در مورد «مجموعهٔ تصورات آگاهانه و غیرآگاهانهٔ شخص نسبت به یک چیز» صادق نیست. نظریه ای که در پی کشف چنین تصوراتی باشد، نوعی ذهن گرایی است با هدف مؤلف آشکاری و نه قصد گرایی با هدف مرادآشکاری: «با توجه به نظریه های دلالت، این نوع برداشت از معنا را می توان به این صورت بیان کرد: معنای هر واژه عبارت است از تصور ذهنی (یا تصورهای ذهنی) مرتبط با آن واژه در ذهن سخن گویان»(فضیلت، صص۸۳-۸۲). شاید با دقتی بیشتر، بتوان آن را نوعی مؤلف محوری نامید؛ به این معنا که مؤلف محوری را به دو قسم قصدی

1. Stecker, Robert.

گرایی و ذهنی گرایی تقسیم نماییم. بر این مبنا، مؤلف محوری اعم از قصدی گرایی خواهد بود.

۲-۲. قصد معنایی، قصد مقوله ای، و قصد انگیزشی

گاهی دو دسته از نیات مؤلفانه از یکدیگر متمایز می شوند: نیات معنایی[1] و نیات مقوله ای[2](ببینید: لامارک، ص۱۸۶؛ میکنن، فصل۲). دستهٔ دیگری را نیز باید بر آن افزود: نیات انگیزشی.

نیات معنایی مربوط به معنای خاصی است که یک مؤلف، از میان معانی مختلف یک واژه یا عبارت، مد نظر داشته است؛ مثلاً مؤلف از عبارت«شیر در بادیه است» معنای «حیوانی به نام شیر در بیابان است» را منظور داشته نه «مایعی خوراکی به نام شیر در ظرف است». **نیات مقوله ای** مربوط به نوع و مقوله خاصی است که یک مؤلف، از میان انواع و مقوله های مختلف(و به تعبیری ژانرهای ادبی) مد نظر داشته است؛ مثلاً مؤلف، فلان کتاب خود را به طنز نوشته است نه جدی؛ متنِ داستانی نگاشته است نه علمی. **نیات انگیزشی** مربوط به انگیزه ای است که موجب تدوین اثر گشته است؛ مثلاً مؤلف، فلان کتاب خود را با انگیزهٔ کسب شهرت یا کسب درآمد نگاشته است.

برخی معتقدند آن چه ولف[3]، کلادنیوس[4] و دیگر صاحب نظران عصر روشن فکری از «مقصود مؤلف» اراده می کردند، قصد مقوله ای بوده است؛ هرچند نیت معنایی را نیز انکار نمی کردند: اساساً، «ولف در خصوص معنای یک متن مفروض، مشکلی نداشت. به نظر او کلمات و جملات، اگر درست به کار برده شوند، همواره معنایی را که مؤلف، منظور داشته می رسانند»(ریخته گران، صص۵۸-۵۷ و ۶۳-۶۲).

۲-۳. قصد واقعی و قصد فرضی

قصد واقعی[5] چیزی است که مؤلف حقیقی، واقعاً قصد کرده است و در مقابل، **قصد فرضی**[6] چیزی است که مخاطب آرمانی، آن را به عنوان قصد مؤلف، فهم و تلقی نماید. توضیح بیشتر این مطلب در بحث قصدی گرایی واقعی و فرضی می آید.

۲-۴. قصد درونی و قصد بیرونی

قصد درونی، همان نیت مؤلف است که به خوبی در متن تحقق یافته باشد به گونه ای که بتوان، شواهد و مدارک معتبری، از خود متن(یا متصل به متن)[7] در تعیین آن ذکر کرد؛ برعکس قصد بیرونی، در متن

---

1. semantic intentions.
2. categorial intentions.
3. F.A.Wolf.
4 . Chladenius, Johann Martin.
5 . Actual intention
6 . Hypothetical intention.

۷. مقصود از متصل به متن، همان چیزی است که در اصول فقه، قراین متصل نامیده می شوند؛ مثل شواهد لفظی درون متنی، فهم عرفی مخاطبان، و بافت و سیاق کلام. البته باید توجه داشت که مقصود، شواهد متصل به متن است نه متصل به همان عبَارتی که قصد تفسیر آن را داریم؛ پس در این اصطلاح، عبارتی که در آخر یک متن، عبارت ابتدای متن را تفسیر می کند(شاهد لفظی درون متنی)، قرینه ی متصل

تحقق نیافته و شواهد خاصی از خود متن(یا متصل به متن) در تعیین آن وجود ندارد. قصد درونی، با شواهد متنی، تأیید و تعیین می گردد؛ و قصد بیرونی، ممکن است توسط شواهد فرامتنی، تایید و تعیین گردد.

از طرفی لازم است بر اساس اصطلاحات اصول فقه، قصد بیرونی را به: قصد مخالف نص، و قصد مخالف ظاهر[۱]، تقسیم نماییم. قصد مخالف ظاهر، با یکی از احتمالات معنایی متن – هر چند احتمالی مرجوح و ضعیف – سازگار است، و از این رو به نوعی توسط خود متن پشتیبانی می شود؛[۲] اما قصد مخالف نص، با هیچ یک از احتمالات معنایی متن سازگار نیست، و از این رو توسط متن، پشتیبانی نمی گردد و نسبت دادن آن به متن، مستلزم نقض متن و تصرف در عبارات آن است. پس در حقیقت، قصد درونی، موافق با نص یا ظاهر اثر است؛ و قصد بیرونی، مخالف با نص یا ظاهر اثر.[۳]

۲-۵. قصد واقعی و قصد ظاهری

از برخی عبارات اصولی به دست می آید که گاهی هدف از فهم، کشف مراد واقعی است و از این رو، باید به ظهور فعلی و شخصی توجه کرد؛ در این موارد، تنها در صورتی می توان بر طبق ظاهر کلام، عمل کرد که برای شخص مفسر، اطمینان حاصل شود که ظاهر کلام، مقصود متکلم نیز بوده است. اما در فهم متون شرعی –که مقام، مقام احتجاج و التزام به کلام است – هدف از فهم، دست یابی به «حجت» است و از این رو ظهور نوعی، کفایت می کند؛ به عبارت دیگر، همین اندازه که عبارت، شأنیت و قابلیت افادهٔ یک معنا را با احتمال بیشتری داشته باشد، و در نظر نوع افرادی که آشنا با آن لغت اند، چنین معنایی داشته باشد (و به تبع، همان معنا را مقصود صاحب عبارت بدانند)، کافی است و لزومی ندارد تا شخص مفسر به این مطلب که ظاهر عبارت، مقصود صاحب عبارت نیز بوده، اطمینان یا حتی گمان پیدا کند(ببینید: کاظمی خراسانی، ج ۱-۲، صص ۵۴۷- ۵۴۶؛ خوئی، ج ۲ ص ۹۴؛ منتظری، ص۴۶۹؛ و نیز ببینید، توجیه شهید صدر، ج ۲ ص ۱۷۱).

باید توجه داشت که سخن فوق، منافاتی با قصدی گرایی ندارد؛ بلکه نهایتاً قصدی گرایی را به دو دسته تقسیم می کند. این افراد نیز قصدی گرایند؛ زیرا اولاً همان گونه که خواهد آمد، تمامی اصولیان شیعه، قصدی گرایند و در جای جای تألیفات خود، با تصریح یا اشاره بیان کرده اند که هدف از فهم متون

به متن محسوب می شود؛ هر چند نسبت به خود آن عبارت، منفصل است. در حقیقت، این عبارتِ مفسر، نیتی را تبیین و تعیین می کند که نسبت به متن، درونی است.

۱. «نص» عبارتی است که در آن مقصود صاحب عبارت، کاملا واضح بوده و در مورد آن تنها یک احتمال وجود دارد؛ در مقابل آن اصطلاح «ظاهر» است؛ یعنی عبارتی که در مورد مقصود گوینده از آن، چند احتمال وجود داشته اما یک احتمال آن، بر اساس قواعد زبانی و محاوره ای، قوی تر، و آشکارتر باشد. برای توضیح بیشتر، ببینید: مشکینی،۱۳۷۱، ص۲۳۲.

۲. ببینید: قصدی گرایی واقعی معتدل، در همین مقاله.

۳. تاکید می شود که در این موارد، مقصود از اثر، تمامی آن به عنوان یک پیکر واحد است و نه یک عبارت خاص در یک قسمت از متن.

شرعی دست یابی به قصد صاحب متن است و ثانیاً توجه به ظهورات کلام، اهمیت استقلالی نداشته و به جهت کاشفیت نوعی آن از قصد، اهمیت دارد.

از انجا که متون قانونی و شرعی باید دارای ویژگی ضابطه مندی و مسدود کردن راه های قانون گریزی باشند، نمی توان حجیت این متون را مشروط به ظهور شخصی نمود؛ زیرا چنین چیزی، امر حجیت را کاملا شخصی کرده وبهترین راه فرار از قانون خواهد بود. پس مصلحت قانون مندی و ضابطه مندی قوانین، در گروه اعتبار بخشیدن به ظهور نوعی است نه ظهور شخصی (برای مطالعهٔ بیشتر ببینید؛ روحانی، ج ۳، ص ۱۰۴؛ ایروانی، ج ۲ ص ۵۲).

بر این اساس که قصدی گرایی را به دو قسم تقسیم کردیم، می توان یک هدف را کشف قصد واقعی و دیگری را کشف قصد ظاهری نامید. در حقیقت، قصد ظاهری، همان قصد واقعی است اما از نگاه عرف و اهل محاوره، و نه از نگاه خود شخص. با این توضیح حتی می توان گفت هر دو دسته، به دنبال قصد واقعی اند؛ ولی در یکی، کشف قصد واقعی از دید خود شخص؛ و در دیگری، کشف قصد واقعی از دید عرف؛ یعنی قصدی که احتجاج به آن صحیح است. همچنین می توان این تقسیم را مشابه با قصد واقعی و فرضی در غرب دانست.

۲-۶. قصد استعمالی و قصد جدی

در علم اصول فقه، قصد و اراده در مقام تکلم و تخاطب، به دو نوع ترسیم گشته است: قصد و ارادهٔ استعمالی، و قصد و ارادهٔ جدی. قصد استعمالی به این معناست که متکلم، قصد به کار بردن لفظ در معنای خودش را داشته باشد. قصد جدی به این معناست که متکلم، معنای لفظی را که استعمال کرده، قصد و اراده نموده است (مشکینی، ص ۳۰؛ و نیز ببینید؛ خوئی، ج ۱ ص ۳۲). گاهی قصد استعمالی را قصد تفهّمی، و قصد جدی را قصد واقعی می نامند (حکیم، ج ۴، صص ۲۱۲– ۲۰۸). کسی که در خواب یا به اشتباه، الفاظی را به زبان می آورد، قصد استعمال آن الفاظ را نداشته است (عدم قصد استعمالی) و کسی که به شوخی آن الفاظ را به زبان می آورد، قصد استعمال آن الفاظ را داشته اما جدیت در آن نداشته است (قصد استعمالی بدون قصد جدی) (برای مطالعهٔ بیشتر ببینید: سبحانی، ج ۱، ص ۱۸۹؛ سبحانی، ج ۱ ص ۱۹۷، انصاری، ج ۲، ص ۴۵۸).

۳) اقسام قصدی گرایی

برای نظریهٔ قصدی گرایی تقسیماتی مطرح شده که به توضیح آن ها می پردازیم.

۳-۱. قصدی گرایی معنایی و قصدی گرایی تفسیری

همان گونه که در توضیح قصدی گرایی اشاره نمودیم، قصدی گرایی دارای دو شکل و یا دو تفسیر است که یکی مربوط به نظریه ی معنا و دیگری مربوط به نظریه ی تفسیری و هدف فهم است. تمایز نهادن میان این دو جنبه، از این رو اهمیت دارد که ممکن است کسی نظریه ی قصدی گرایی را در یک سو بپذیرد و در دیگری نه. «ممکن است کسی هدف تفسیری را شناخت قصد (یا قصد اظهارشده[1]) بداند بدون این که ادعا داشته باشد که قصد، معنای اثر را تشکیل داده است. به تناوب، ممکن است کسی معتقد باشد که معنای اثر، گرفتار و دربند قصد واقعی هنرمند است؛ بدون اعتقاد به این که یگانه هدف تفسیر، تعیین معنای اثر است. البته، اکثر قصدی گرایان، می توانند هر دو تفسیر را بپذیرند» (استکر، ۲۰۰۳، ص ۵۰).

ما، شکل اول قصدی گرایی را «قصدی گرایی معنایی» و شکل دوم آن را «قصدی گرایی تفسیری» می خوانیم.

۳-۲. قصدی گرایی واقعی و قصدی گرایی فرضی

قصدی گرایی واقعی به دنبال فهم قصد واقعی، یعنی آن چه مؤلف حقیقی، واقعاً قصد کرده می گردد؛ اما قصدی گرایی فرضی در پی کشف قصد فرضی، یعنی آن چه مخاطبان آرمانی به عنوان معنای مقصود می فهمند، است (استکر، ص ۴۱؛ لامارک، ص ۱۸۵). مخاطب آرمانی کسی است که کاملاً از «ساختار درونی اثر و زمینهٔ احاطه کنندهٔ مرتبط با آفرینش اثر» مطلع باشد (لامارک، ۲۰۰۶، ص ۱۸۵). به عبارت دیگر، وظیفه ی منتقد این است که قصد مؤلف را از دیدگاه یکی از اعضای آرمانی مخاطبان موردنظر، فرض، طراحی، و پیش بینی[2] کند (لامارک، ص ۱۸۵؛ و نیز ببینید؛ نوئل، ص ۷۵؛ دیویس، ص ۲۲۳). در حقیقت، «معنای اثر، نه به عنوان چیزی که هنرمند حقیقی، واقعاً قصد کرده است؛ بلکه دقیقاً، به عنوان آنچه مخاطب – در پرتو مفروضات زمینه ای معین – بایسته یا شایسته است به عنوان معنای موردنظر (قصد شده) بفهمد، معین و تعریف می شود؛ این قصد را قصد فرضی و این نظریه را قصدی گرایی فرضی بنامید» (استکر، ص ۴۱). «قصدی گرایی فرضی مدعی است تفسیر درست از کارهای هنری، توسط بهترین پنداشت از نیت هنرمند محدود می شود». (نوئل، ص ۷۵) به عبارت دیگر، در قصدی گرایی فرضی، «تفسیرها به عنوان آنهایی که با بیشترین احتمال، توسط یک مؤلف مفروض، قصد شده اند تصدیق می گردند» (دیویس، ص۲۲۳).

یکی از طرفداران پس از تعریف قصدی گرایی واقعی، «به عنوان این دیدگاه که تفسیر درست از یک اثر هنری، قصد هنرمند را که در اثر اظهار شده است تشخیص می دهد» بیان می دارد: «قصدی گرایی

1. Or expressed intention
2. Hypothesize

واقعی، اغلب بد نمایش داده می شود. گاهی با نقادی زندگی نامه ای که آن را در بالا رد کردیم، اشتباه می شود. [در نقادی زندگی نامه‌ای... شخص، سعی می کند تا اندازه ای که امکان دارد، در مورد زندگی شاعر بداند و سپس سعی می کند — اگر چنین چیزی ممکن باشد — معنای شعر را از آنچه که در زندگی شاعر، در نزدیکی زمان نگارش اتفاق افتاده، دریابد. (استکر، ص ۳۰)] همچنین گاهی قصدی گرایی واقعی، به عنوان این نظریه شناخته می شود که تفسیر صحیح از اثر، تفسیر خود هنرمند از آن است؛ در حالی که [تفسیر هنرمند]، به طور آشکار از اظهار قصد، متمایز نگشته است. این شناخت، به طور مضاعف، گیج کننده است. اولاً، اظهار قصد، به طور کلی، با تفسیر رفتار شخصی این نفر، یکسان نمی شود. عبارت: «من برای رفتن به بانک، قبل از این که بسته شود، برنامه ریزی کرده ام» یک اظهار (یا حداقل یک گزارش) از قصد است و نه یک تفسیر. اما عبارت «فکر می کنم به محض این که از خانه خارج شدم به بانک رفتم»، تفسیری از رفتار است ونه یک اظهار (یا گزارش) از قصد. نمی توان انکار کرد که موقعیت های مشخصی وجود دارد که تمایز گزاردن بین این دو دشوار است. ثانیاً، تفسیر هنرمند از اثر، و اظهار یا گزارش او از قصدش که نسبت به اثر، امری خارجی اند؛ هیچ یک به طور خودکار، تفسیر صحیح اثر را تشکیل نمی دهند. تفسیر هنرمند از اثرش، ممکن است از تفسیر دیگران، بهتر نباشد، و اغلب نیز بدتر است. اظهار قصد، ممکن است غلط، ناصادقانه باشد، یا اگر قبل از کامل شدن اثر منتشر شده باشد، می تواند پیش از آن که محقق گردد، کنار زده شود» (استکر، ص ۳۲).

به این نکته باید توجه داشت که قصدی گرایی فرضی یا واقعی (آن گونه که از برخی تعاریف بر می‌آید مستلزم این نیستند که معنای اثر را محدود به نیت مؤلف آن بدانیم؛ این تحدید و تعیین، نتیجهٔ پذیرش مبنایی دیگر است که موجب قصدی گرایی انحصاری می شود که در بحث بعدی به آن می پردازیم).

قصدی گرایی واقعی، خود به دو قسم معتدل و افراطی تقسیم می شود.

براساس قصدی گرایی واقعی معتدل[1]، «تفسیر صحیح از یک اثر هنری، با قصد واقعی مؤلف، که خودش توسط اثر هنری پشتیبانی می شود سازگار است» (نوئل،[2] ص ۷۵). قصدی گرایی واقعی معتدل، به دنبال «تصاویر رونوشت، از عقاید، نگرش ها، تجارب، احساسات، و افکار مؤلف نیست (میکنن، پی نوشت ۱۰). و «تنها آن نیاتی را مهم می داند که متن می تواند از آن ها حمایت کند. در قصدی گرایی واقعی معتدل، معنای یک اثر، توسط معنای متنی یا معنای توالی و پی رفت واژه[3]، و بهترین اطلاعات،

1. Moderate actual intentionalism.
2. Noel Carroll.
3. word sequence meaning.

مشتمل است بر شواهدی از قبیل زمینة تاریخی – هنری اثر، عقاید رایج مخاطبان معاصر، زندگی‌نامة عمومی مؤلف، اثر عمدة او، و از این قبیل» (میکنن، فصل ۲).

از توضیحات بالا می توان فهمید که قصدی گرایی واقعی معتدل، اولاً تنها در پی دستیابی به نیاتی است که از یک سو، نیات پدیدارشناختی باشند نه روان شناختی و از سوی دیگر، توسط خود متن پشتیبانی گردند. ثانیاً این نظریه، از شواهد فرامتنی (همچون زندگی نامه و آثار دیگر مؤلف، و عقاید رایج در زمان پیدایش متن) غفلت نمی کند. مورد حمایت متن بودنِ نیت، به علاوة جواز استفاده از شواهد فرامتنی در تعیین آن، نشان می دهد که مراد از پشتیبانی متن، این است که معنای مقصود، نباید مخالف نص متن باشد؛ بلکه دست کم، باید با یکی از احتمالات متن-هرچند احتمالی مرجوح و ضعیف-موافق باشد. پس در قصدی گرایی معتدل، تنها آن نیاتی می توانند بر متن تحمیل شوند که یا موافق با ظاهر متن باشند و یا اگر چه مخالف با ظاهر متن اند، شواهد فرامتنی معتبری آن ها را تأیید کند. این دو دسته، نیاتی هستند که توسط متن، پشتیبانی می شوند. اما معنایی که مخالف با نص متن است، از آن جا که توسط متن، پشتیبانی نمی شود، نمی تواند به این بهانه که مقصود مؤلف بوده است بر متن تحمیل گردد.

با توجه به مطالب فوق، می توان، قصدی گرایی واقعی افراطی[1] را، به عنوان نظریة مقابل و بدیل آن، شناخت. در قصدی گرایی افراطی، هدف از تفسیر، دست یابی به نیات مؤلف است، خواه این نیات توسط اثر، پشتیبانی شوند یا نشوند و اعم از این که نیات روان شناختی باشند یا پدیدارشناختی.

برای قصدی گرایی فرضی نیز می توان انواع مختلفی را یافت(دو قسم: حدسی و افسانه ای[2]؛ ببینید: اسپورهیز، ص۸۱)؛ اما آن چه با ملاحظة بحث ما اهمیت می یابد این است که باید بین دو نوع از آن تمایز قایل شد. بیان شد که قصد فرضی، در حقیقت بهترین برداشت مخاطبان و به تعبیری برداشت عرفی، از قصد مؤلف است؛ اما این مخاطبان چه کسانی هستند و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟ و کدام عرف، مقصود است، یک دیدگاه می تواند این باشد که مفسر باید به فهم و برداشت مخاطبان اولیه و معاصر متن دست یابد؛ به این معنا که این متن، از نگاه مخاطبان اصلی و اولیة آن، چه معنایی می توانست داشته باشد و مقصود صاحب اثر، در نگاه آنان که به خاطر معاصر بودن با مؤلف، با واژگان و زمینة متن و شواهد و قراین پیوسته و ناپیوستة آن، کاملاً آشنا بوده اند، چه بوده است. در حقیقت در این دیدگاه، مفسر باید-به تعبیر اصولی- به ظهور نوعی این کلام در عصر صدور آن، دست یابد. پس معنای **اصلی** متن در عرف زمان صدور، منظور است. اما **دیدگاه دوم**، می تواند این باشد که مفسر باید از موضع و افق معنایی عصر خودش، معنای مقصود مؤلف را کشف یا به تعبیری بازسازی نماید. در حقیقت، هدف فهم در این دیدگاه،

1. Extreme actual intentionalism.
2. Conjectural & Fictional.

رسیدن به توافق با مؤلف در شرایط کنونی است؛ به عبارت دیگر، مفسر در صدد است تا دریابد اگر مؤلف در شرایط کنونی، او را مخاطب قرار می داد، به او چه می گفت و از او چه می طلبید؛ یعنی نوعی فهم عصریِ قصدی گرا که آمیخته‌ای از مؤلف محوری و مفسر محوری است. شاید نظریة قصدی گرایانی فرضی نظیر ویلیام.ای. تولهرس[1] و جِرالد لوینسون[2]، که معنای ادبی را به «معنای اظهار» پیوند می دهند، و نه به معنای گوینده یا اظهار کننده، از همین قبیل باشد؛ زیرا از نظر ایشان، معنای اظهار عبارت است از: «آگاهانه ترین طرح و پیش بینیِ ما از معنای مورد نظر مؤلف، براساس موضع خودمان به عنوان مفسران مورد نظر»(لامارک، ص۱۸۵-۱۸۶).

همچنین می توان توجه برخی از دانشمندان فقه و اصول به «نقش زمان و مکان در اجتهاد» را، البته بنا بر یکی از تفاسیر آن، بر همین مبنا توجیه و تأویل کرد(برای نمونه ببینید: مطهری، ج۲؛ امام خمینی، ج۲۱، صص۶۱و۹۸ ؛ معرفت، ص۵۸؛ مکارم شیرازی).

قسم اخیر را «**قصدی گرایی عصری**»، و قسم قبلی را-که به معنای اصیل مورد نظر مؤلف می اندیشد- «**قصدی گرایی اصلی**» می نامیم.

۳-۳. قصدی گرایی انحصاری و قصدی گرایی شمولی

به نظر نگارنده، علاوه بر اقسام فوق، باید تقسیم دیگری را نیز در مورد قصدی گرایی مطرح کرد که شاید بتوان آن را قصدی گرایی انحصاری و قصدی گرایی شمولی نامید. قصدی گرایی انحصاری در حیطة معنا (قصدی گرایی معنایی انحصاری)، آن است که قصدِ صاحب اثر را تمام معنای اثر تلقی کرده، و معانی فراتر از نیت او را اساساً معنای اثر او ندانیم. قصدی گرایی انحصاری در حیطة هدف تفسیری(قصدی گرایی تفسیری انحصاری) آن است که تنها هدف معتبر در تفسیر را کشف قصد و نیت صاحب اثر تلقی کرده و سایر هدف‌ها را غیر مشروع و نامعتبر بدانیم.

قصدی گرایی شمولی در حیطة معنای اثر(قصدی گرایی معنایی شمولی) این است که معنای مقصود صاحب اثر را تنها یکی از معانی ممکن و معتبر اثر بدانیم و در عین حال، برای اثر، معانی معتبر دیگری نیز قایل باشیم. قصدی گرایی شمولی در حیطة هدف تفسیر اثر(قصدی گرایی تفسیری شمولی)، این است که کشف معنای مقصود صاحب اثر را به عنوان یکی از هدف‌های صحیح و ممکن تفسیر بر شمرده و در عین حال، به هدف‌های دیگری نیز غیر از آن باور داشته باشیم.

شاید بتوان گفت این تقسیم، مشابه با تفسیر موسّع و مضیّق از قصدی گرایی است: «تفسیر مضیق از نظریة قصدی گرایی، نظریة ای.دی. هرش است که بردزلی به آن، برچسب «تز هویت» زده است، و مدعی

1. William E. Tolhurst.
2. Jerrold Levinson.

است که معنای یک اثر داستانی، معنایی است که مؤلف در حروف چینی آن، قصد کرده است؛ در حالی که تفسیر موسع، استدلال می کند که نیت مؤلف داستان، با معنای اثر مرتبط است، یا در برخی مفاهیم، آن را تعیین می کند... تفسیر موسع،... معتقد نیست که تفسیر صحیح از یک اثر داستانی، باید کاملاً با مؤلف واقعی تعیین گردد؛ بلکه بر این باور است که نیات مؤلف، در تفسیر، مهم اند.»(میکنن، فصل دوم).

۴) نظریۀ قصدی گرایی اصولیان شیعه

با مطالعۀ کتب اصولی، می توان به خوبی دریافت که دانشمندان اصولی، به اتفاق قصدی گرا هستند؛ مگر شیخ مفید که صرفاً در مورد کلام الهی، متن محور است. برای توضیح مطلب، دامنۀ بحث را قدری گسترده تر می کنیم. به طور کلی در نظریۀ تفسیری متفکران اسلامی، می توان سه هدف تفسیری متفاوت را شناسایی نمود که عبارتند از:

۱) شناخت مقصود صاحب اثر به طور مطلق (چه مدلول کلام باشد یا نباشد).

۲) شناخت مدلول کلام بطور مطلق(چه مقصود صاحب اثر باشد یا نباشد).

۳) شناخت مدلولی که مقصود صاحب اثر باشد.

دیدگاه اصولیان شیعه، مطابق با مورد سوم است.

ممکن است گفته شود در دیدگاه اصولی، مدلول بر مراد، تقدم دارد و شاهد در این مدعا، مباحث گسترده ای است که اصولیان در مورد وضع و موضوع له و مدلول هیأت ها(مثل صیغه و ساختار جملات امری) و برخی مواد(مثل واژۀ امر و نهی) مطرح می کنند (آن گونه که در مقالۀ: اصول الفقه الاسلامی والهرمنیوطیقا نوشتۀ سید صدر الدین طاهری پنداشته شده است)؛ اما این مطلب صحیح نیست؛ زیرا بحث از امور یاد شده، صرفاً برای تشخیص ظهورات کلام است ولی این گونه نیست که ظهورات، به خودی خود ارزش داشته و حجت باشند؛ زیرا ظهورات با کمک اصول لفظیه حجیت می یابند و اصول لفظیه برای کشف و تعیین مقاصد به کار می روند(ببینید: انصاری، ج۳ص۴۹۹؛ خراسانی، ص۳۲۴؛ غروی اصفهانی، ج۲ص۱۶۳). به تعبیر محقق و اصولیِ گران قدر، مرتضی انصاری، در **فرائد الاصول**، تمامی اماراتی که برای تشخیص معنای حقیقی الفاظ و ظواهر آن ها یا برای تشخیص مقصود و مراد متکلم(مثل اصل اطلاق) به کار می آیند، از قبیل «صغری و کبری برای تشخیص مرادند»(ببینید: انصاری، ج۱، صص۱۳۶-۱۳۵). در **نهایة النهایة**، آمده است: «حمل کلام بر ظاهرش، ... طریق و پل رسیدن به مراد جدی است»(ایروانی، ج۱ص۲۷۹). از طرفی در نگاه اصولی، اگر معنایی در چارچوب دلالت‌های لفظی(اعم از مدلول مطابقی، تضمنی و التزامی) نگنجد مدلول کلام محسوب نمی گردد و به همین جهت رد می شود؛ پس از نگاه اصولی، معنای صحیح متن، معنایی است که اولاً در قالب های دلالی بگنجد و ثانیا مراد متکلم

باشد.

می توان نظریة تفسیری صوفیه و باطنیه در مورد قرآن را راجع به نظریة اول دانست؛ زیرا از نظر اکثر ایشان، اساساً معنای ظاهری الفاظ، مقصود نبوده و تفسیر به معنای ظاهری، غلط است. در این نظریه، پای‌بندی به چارچوب های محاوره ای و دلالت متن، لزومی ندارد.(ببینید: عمید زنجانی، ص۳۲۲؛ زرقامی، ج۲، ص۶۷).

از میان اصولیان شیعه نیز، شاید بتوان شیخ مفید را(تنها در مورد کلام الهی)، معتقد به نظریة دوم دانست. مبنای این نظر ایشان، تفسیر خاصی است که از ارادة الهی مطرح کرده اند. در نظریة کلامی شیخ مفید، ارادة خداوند، فعل اوست، و افعال خدا، مسبوق به چیزی به نام اراده، قصد، عزم و نیت نیست و نمی تواند باشد؛ چرا که این امور مستلزم وجود قلب و ذهن برای خدا بوده، و موجب تحقق نقص و عیب در اویند. بر این مبنا، هنگامی که گفته می شود، مقصود از این کلام خداوند، این معناست و نه آن معنا، یا عموم است و نه خصوص، منظور این است که خداوند، کلامی آفریده که این معنا از آن فهمیده می شود نه آن معنا(؛نه این که خدا حقیقتاً این معنا را قصد کرده و نه آن معنا را)(ببینید: شیخ مفید، صص۱۳-۱۱). بررسی دقیق این نظریه، بحث کلامی مفصّلی را می طلبد که از محدودة این مقاله، خارج است اما به طور خلاصه، به نظر می رسد، می توان برای مقصود و مراد خدای متعال، معنایی وسیع تر در سایه علم الهی به معانی واژگان یا اهداف تبعی او در نظر گرفت و از این رو، این نظریه کلامی، منجر به این نخواهد شد که در تفسیر کلام الهی، قصدی گرایی را صحیح ندانیم.

با توجه به مطالب بالا، می توان گفت اصولیان شیعه، به اتفاق قصدی گرا هستند(و حتی شیخ مفید نیز که در کلام غیر الهی همین نظر را دارد، اگر می توانست معضل تفسیر ارادة الهی را حل نماید در تفسیر کلام الهی نیز قصدی گرا بود)؛ اما باید دید نظریة مشهور میان اصولیان، با کدام یک از اقسام قصدی گرایی سازگار است. در میان ایشان، شاید نتوان کسی را یافت که در جستجوی **نیات روان شناختی** شارع باشد؛ و اساسا به خاطر اعتقاد ایشان به علم بی نهایت شارع، شناخت چنین نیاتی از نظر آنها باید محال و ناممکن باشد.

قصدی‌گرایی اصولیان شیعه، معمولاً متمرکز بر **قصد معنایی** است؛ **قصد انگیزشی** مورد بحث قرار نمی‌گیرد مگر در خصوص قصد تقیه یا قصد اجمال(از نگاه اصولی، اگر متکلم در مقام اجمال بوده و تنها در صدد تشریع و بیان اصل حکم باشد، نمی توان کلام او را مطلق دانست و به لوازم این اطلاق، استناد جست. (ببینید: انصاری، ج۴ ص۵۰۵؛ فیاض، ج ۵، ص۳۶۷) **قصد مقوله ای** نیز اگر چه مورد بررسی قرار نمی گیرد اما اگر بتوان در میان متون شرعیِ دسته اول نیز انواع و مقوله های مختلفی را در نظر گرفت، به

گونه ای که تشخیص این مقوله ها در معنای آن مؤثر باشد(مثلا تمایز سوره، دعا، خطبه، داستان و... . ببینید: بستانی، صص۳۱۰-۲۸۱) این بحث، شایستهٔ بررسی است و باید در کانون بحث های اصولی قرار گیرد.

در مورد **قصد واقعی و فرضی** باید گفت اگر چه اصولیان در پی کشف مراد واقعی شارع هستند اما این قصد را از نگاه عرف و با قواعد عقلایی تعیین می کنند؛ و به تعبیری به دنبال ظهور عرفی و نوعی کلام می باشند و بیان شد که این مطلب، ریشه در همان ویژگی «احتجاجی» بودن کلام شارع دارد و در هر مورد دیگری نیز که این ویژگی وجود داشته باشد(مثل قوانین و مقررات)، همین مطلب صادق است. با این توضیحات، می توان گفت دیدگاه اصولی موافق با **قصد ظاهری** و **قصد فرضی** است؛ اما این قصد، ارزش ذاتی و اصلی ندارد، بلکه از این جهت مورد توجه است که نوعاً کاشف از قصد واقعی است.

قصد جدی نیز، از «نظر مصداقی»(و نه مفهومی)، همان قصد واقعی بوده که هدف اصلی کاوش اصولیان است. قصد استعمالی، در حقیقت مقدمه ای برای وجود قصد جدی، و به تبع، راهی برای کشف آن است؛ اما در مواردی که بر اساس شواهد و مدارک معتبر، قصد جدی با قصد استعمالی مخالف باشد، قصد جدی مقدم می گردد(مثل تخصیص عام با مخصّص منفصل).

کاوش اصولی، معمولاً متمرکز بر یافتن **قصد درونی** است اما از شواهد فرامتنی نیز غفلت نمی کند؛ **قصد بیرونی** اگر مخالف با ظاهر متن باشد، تنها در صورتی پذیرفته می شود که شاهدی خاص و قوی(اعم از متنی و فرامتنی) آن را تأیید کند؛ از آن جا که قصد مخالف ظاهر، با یکی از احتمالات معنایی متن -هرچند احتمال ضعیف تر-، سازگار است، و به این اعتبار، توسط متن پشتیبانی می شود، می توان آن را در سایهٔ شواهد و مدارک معتبر پذیرفت. در این صورت، متن از معنای ظاهری خود به سمت معنای غیرظاهر خود «بازگردانده» می شود. در اصول فقه، به چنین لفظی، «مُأوّل» و به چنین حالتی، «تأویل» گفته می شود(ببینید: مشکینی، ص۲۳۳). قصد بیرونی اگر مخالف نص باشد، پذیرفته نمی شود؛ از آن جا که قصد مخالف نص، با هیچ یک از احتمالات معنایی متن سازگار نبوده و توسط متن، پشتیبانی نمی شود، نسبت دادن آن به متن، مستلزم نقض متن و تصرف در عبارات آن بوده و از نگاه عرف صحیح نیست. از نگاه اصولی، چنین معنایی نمی تواند معتبر باشد.[۱]

اما بحث در مورد دیدگاه اصولیان شیعه به لحاظ قصدی گرایی **انحصاری** یا **شمولی**، باید با دقت بیشتری انجام گیرد. اگر معیار قصدی گرایی شمولی، اعتقاد به «معانی فراتر از نیت صاحب اثر» برای اثر باشد، اصولیان شیعه را باید- فی الجمله- در زمرهٔ شمول گرایان به حساب آورد. از دیدگاه اصولی، هر

۱. مگر این که اظهار دوم در سایهٔ قواعد باب تعارض، بر عبارت متن، ترجیح یابد؛ که در این صورت، اصل عبارت اول، به عنوان امری جعلی و غیرواقعی، کنار زده می شود و اظهار دوم به عنوان نسخهٔ اصیل و صحیح، جایگزین آن می گردد.

عبارت می تواند دلالت بر اموری داشته باشد که مقصود گوینده آن نیست. ایـن امـور، در حقیقـت لـوازم معانی مقصود اویند. این نحوه از دلالت در اصول فقه، «دلالت اشاره» نامیده می شود؛ مثل دلالـت آیـه ی «وحملُه وفصاله ثلاثون شَهراً»[1] به ضمیمة آیة «والوالدات یرضعن اَولادَهـنّ حـولین کـاملَین»[2] بـر اینکـه کم‌ترین مدت حمل، شش ماه است. و یا دلالت آیة نزول قرآن در ماه رمضان، به ضمیمه آیة نـزول آن در شب قدر، بر این که شب قدر در ماه مبارک رمضان است.

اما این که گفتیم اصولیان شیعه را فی الجمله باید قصدی گرای شمولی محسوب کرد، بـه ایـن جهـت است که برای اثبات شمول گرایی، پذیرش معنای صحیحی که فراتر از نیت صاحب سخن باشـد، حتـی در یک مورد، نیز کافی است؛ و اصولیان این گونه اند؛ اما باید توجه داشت که این مطلب، به این معنـا نیسـت که هرآنچه سایر شمول گرایان (یا قصدی ستیزان) به عنوان معانی متن می شـمارند، از نظـر اصـولیان نیـز صحیح باشد. این معانی باید به طور خاص مورد بررسی قرار گیرند و بـا دیـدگاه اصـولیان مطابقـت داده شوند؛ اما به طور کلی می توان گفت، از نگاه دانشمندان اصولی–که مدار استنباط‌های لفظی را فهم عرفـی و ظهور نوعی می دانند– تنها آن دسته ای از معانی را می توان مدلول سخن دانست که عرف، این دلالـت را بپذیرد. ظاهراً دلالت کلام بر آن چه گاهی «سایه های معنایی سخن» نامیده شده(ببیند: هادوی تهرانـی، صص۱۱۱–۱۰۸) نیز در همین چارچوب است. برای نمونه، شخصی را تصور نمایید که از روی حسـادت یا عصبانیت، کلامی بر زبان می آورد، در حالی که خود، متوجه آن حالت خویش نیسـت و یـا بـا وجـود توجه، در صدد کتمان آن است، اما کلام او به گونه ای است که می توان از آن، به خوبی حالت حسادت یا عصبانیت او را فهمید. این معانیِ فهمیده شده، اگر چه مقصود او نبوده اند، اما در شمار سایه هـای معنـایی سخن او و **مدلول** کلام اویند. در چنین مواردی که عرف، این دلالت را می پـذیرد، ایـن معـانی در شـمار معانی صحیح کلام، محسوب می شوند.

۵) جمع بندی و نتیجه گیری

با مقایسة دو دیدگاه قصدی گرایی غربی و قصدی گرایی اصولی، می توان شباهت ها و تفاوت هـای دو دیدگاه را مشخص نمود. برخی از قصدی گرایان غربی، به دنبال نیات واقعی، و دسته ای به دنبال نیات فرضی و ظاهری مؤلفان اند؛ اما اصولیان شیعه، بین دو دسته از متون، تمایز قایل شده اند: متون احتجاجی، که با هدف کشف نیات ظاهری و فرضی متناسبند؛ و متون غیر احتجاجی که با هدف کشف نیـات واقعـی، تناسب دارند. اصولیان برای کشف نیات ظاهری و فرضی، اصول منظمی را تنظیم کرده انـد کـه بـه عنـوان

۱ . احقاف: ۱۴(دوران حمل و از شیر گرفتن او ، سی ماه است)
۲ . بقره:۲۳۲ (و مادران فرزندانشان را دو سال کامل، شیر (می) دهند)

شواهدی عمومی بر نیات مؤلفان، به کمک فهم، می آیند(اصول لفظی و عقلایی)؛ در قصدی گرایی غربی به این اصول، کمتر توجه شده است. در اصول فقه، معمولاً تکیه بر قصدی گرایی اصلی است؛ اما اخیراً برخی دانشمندان شیعه بر اهمیت معنای عصری و نقش زمان و مکان در اجتهاد تکیه کرده اند. این مسأله نیز باید در کانون بحث های اصولی قرار گیرد تا ضوابط و معیارهای آن مشخص گردد.

اصولیان شیعه، به تمامی نیات معناییِ زبان شناختی، اعم از این که نسبت به متن درونی باشند یا بیرونی-مادام که در تناقض با متن و مخالف نص آن نباشند- توجه می کنند. در نظریة قصدی گرایی اصولیان شیعه، اساساً نیات روان شناختی، جایگاهی ندارند و حتی به اِعمال قواعد روان شناسی برای روان کاوی مؤلف و دست یابی به درون ذهن او، اهمیتی داده نشده است.

در قصدی گرایی غربی، به نیات مقوله ای، توجه بیشتری شده است و شایسته است، مورد توجه قصدی گرایی اصولی نیز واقع گردد.

دیدگاه اصولیان شیعه، از آن جا که موافق با وجود «معانی صحیحِ فراتر از نیت صاحب اثر» برای اثر است، نوعی قصدی گرایی شمولی است؛ اما در این دیدگاه-که مدار استنباط های لفظی را فهم عرفی و ظهور نوعی می داند- تنها آن دسته ای از معانی را می توان مدلول سخن دانست که عرف، این دلالت را بپذیرد.

منابع

احمدی، بابک، *ساختار و تأویل متن*، چاپ دهم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۸.

انصاری، محمد علی، *الموسوعة الفقهیة المیسرة*، چاپ اول، مجمع الفکر الاسلامی، قم،۱۴۱۵.

انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، ۴ جلد، تحقیق لجنه تحقیق تراث الشیخ الاعظم، ناشر مجمع الفکر اللاسلامی، قم ، چاپ خانه باقری قم چاپ اول ۱۴۱۹ق.

ایروانی غروی، علی، *نهایة النهایة*، دو جلد، بی تا، (نسخه سی دی کتابخانه اهل البیت علیهم السلام).

بستانی، محمود، *القواعد البلاغیة في ضوء المنهج الاسلامي*، مشهد، چاپ اول، مجمع البحوث الاسلامیة، چاپ آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق.

حکیم، سید عبد الصاحب، *منتقی الأصول*، تقریرات بحث آیت الله سید محمد حسینی روحانی ،۷جلد،چاپ الهادی، چاپ دوم۱۴۱۶ق.

خراسانی، محمد کاظم،*کفایة الاصول*، چاپ اول، تحقیق ونشر: مؤسسهی آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث. قم، ۱۴۰۹ق.

خمینی موسوی، امام، سید روح الله، *صحیفة نور*، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.

خوئی، سید ابوالقاسم، *اجود التقریرات*، تقریرات میرزایی نائینی،۲ جلد، ناشر مؤسسه مطبوعاتی دینی حکم، چاپخانة اهل البیت (ع) چاپ دوم ۱۴۱۰ق.

روحانی حسینی، سید محمد صادق، *زبدة الاصول*، ۴جلد، ناشر مدرسه الامام الصادق(ع)، چاپخانة قدس، چاپ اول۱۴۱۲ق.

زرقامی، محمد عبدالعظیم، *مناهل العرفان*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۳ق.

سبحانی، جعفر، *الموجز في اصول الفقه*، نشر موسسة الامام الصادق علیه السلام، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۰ق.

سبحانی، جعفر، *الوسیط في اصول الفقه*، نشر موسسة الامام الصادق علیه السلام، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۹ق.

شیخ مفید، ابی عبد الله محمد بن النعمان العکبری البغدادی، *مسألة في الارادة*، چاپ دوم، نشر دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ق.

صدر، سیّد محمدباقر، *دروسٌ في علم الاصول*(حلقات)، دارالکتاب اللبنانیة مکتبة المدرسه، چاپ دوم:۱۴۰۶ق.

طاهري، سید صدر الدین، «اصول الفقه الاسلامي والهرمنیوطیقا» ، در:

almin201.htm http://www.islamicfeqh.com/al-menhaj/Almen24/

عمید زنجانی، عباسعلی، *مباني و روشهاي تفسیر قرآن*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.

فضیلت، محمود، *معنا شناسي و معاني در زبان و ادبیات*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه رازی، چاپ و نشر انتشارات طاق بستان، کرمانشاه ۱۳۸۵.

فیاض، محمد اسحاق، *محاضرات في اصول الفقه*، تقریرات درس آیت الله سید ابوالقاسم خوئی، ۵جلد، ناشر دارالهادی للمطبوعات، قم، چاپخانة صدر، چاپ سوم ۱۴۱۰ق.

غروی اصفهانی، محمد حسین، *نهایة الدرایة في شرح الکفایة*، تحقیق و تعلیق مهدی احدی امیر کلائی، ۳جلد، چاپ اول، انتشارات سید الشهداء، قم، ۱۳۷۴.

کاظمی خراسانی، محمد علی، *فوائد الأصول*، تقریرات بحث آیت الله میرزا محمد حسین غروی نائینی (۱۳۵۵) باتعلیق : آیة الله الشیخ آقا ضیاء الدین العراقی ،با تحقیق : رحمت الله رحمتی اراکی ، ۴ جلد، ناشر : مؤسسة نشر اسلامی،چاپ اول :۱۴۰۹ق.

مشکینی، علی، *اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها*، الهادی، قم، چاپ چهارم:۱۴۱۳ق.

مطهری، مرتضی، *اسلام و مقتضیات زمان*، دو جلد، چاپ اول، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.

معرفت، محمد هادی، اقتراح(مصاحبه)، مجلة *نقد و نظر*، شمارة ۱، زمستان ۱۳۷۳.

مکارم شیرازی، ناصر، اقتراح(مصاحبه)، مجلة *نقد و نظر*، شمارة ۵ ، زمستان ۱۳۷۴.

منتظری نجف آبادی، حسین علی، *نهایة الأصول*، تقریر بحث آیت الله حسین طباطبائی بروجردی،۲ جلد. چاپ قدس، چاپ اول، قم، ۱۴۱۵ق.

هادوی تهرانی، مهدی، *مبانی کلام اجتهاد در برداشت از قرآن کریم*، چاپ دوم، قم، مؤسسهٔ خانهٔ خرد، ۱۳۸۱.

هوی، دیوید کوزنز، *حلقهٔ انتقادی: ادبیات، تاریخ و هرمنوتیک فلسفی*، ترجمهٔ مراد فرهاد پور، چـاپ سـوم، نشـر روشنگران و مطالعات زنان، تهران،۱۳۸۵.

Allen, Graham, *Intertextuality, New Critical Idiom*, Taylor & Francis Routledge, London & New York, 2000.

Davies, Stephen, Authors"Intentions, Literary Interpretation, and Literary" Value, In: The British Journal of Aesthetics 2006 46(3):223-247.

Lamarque, Peter, "The intentional fallacy", in Waugh, Patricia, *Litirary Theory and Criticism: an Oxford guide*, Oxford Univresity Press Inc., New York, 2006.

Mantzavinos, Chrysostomos, *Naturalistic Hermeneutics*, Translated from German by Darrell Arnold, cambridge university press, Cambridge, New York, Melbourne, Madrid, Cape Town, Singapore, São Paulo, 2005.

Mikkonen, Jukka, Intentions and Interpretations: Philosophical Fiction as Conversation, Published,January27,2009,www.contempaesthetics.org/newvolume/pages/article.php?articleID=526

Noël, Carroll, "Interpretation and Intention: The Debate between Hypothetical and Actual Intentionalism", In Journal: *Metaphilosophy*, Volume 31 Issue 1& 2, 2000, Pages 75 – 95 (Published Online: 24 Jan 2003)

Spoerhase, Carlos, Hypothetischer Intentionalismus, Rekonstruktion und Kritik, *Citation Information*. Journal of Literary Theory. Volume 1, Issue 1, Pages 81–110, August, 2007.

Stecker, Robert, *Interpretation and Construction Art, Speech, and the Law*, Blackwell, The united kingdom, 2003.

Wolterstorff, Nicholas, Resuscitating the Author, in Kevin J. Vanhoozer, James K. A. Smith, and Bruce Ellis Benson (Ed.), *Hermeneutics at the Crossroads*, Indiana University Press, Bloomington and Indianapolis, USA2006.